

# والدین دروغگو؛ کودکان دروغگو!



## جمع آوری: داوود خانی خلیفه محله

**اشاره ی کوتاه:** از یک سو، خواسته و ناخواسته به کودکانمان دروغ می گویم و از سویی

دیگر برآنیم تا به هر طریقی که شده است ، فرزندانمان را از دروغگویی برحذر داریم.

دو گفتار کوتاه زیر، نگاهی است علمی و روانشناسانه به دروغگویی والدین و در پی آن،

نحوه رفتار پدران و مادران با کودک دروغگو!

## گفتار اول: دروغ‌های والدین در خدمت تربیت فرزندان!

شمار فراوانی از پدر و مادرها در رفتارشان با فرزندان خود در بسیاری از مواقع به دروغ

متوسل می‌شوند. از دروغ‌های به ظاهر بی‌اهمیت گرفته تا دروغ‌های "شاخدار".

پژوهشگران نسبت به تأثیر این دروغ‌ها در روابط خانوادگی هشدار می‌دهند.

"اگر شیطونی کنی، آن خانمی که اونجا ایستاده، دعوات می‌کنه!" این جمله را شاید بارها

از زبان مادری که از دست شیطنت بچه‌اش عاصی شده، شنیده باشید. والدین بیشتر اوقات

برای خلاصی از وضعیت "بغرنجی" که کودکانشان آن‌ها را در آن قرار داده‌اند، به دروغ

متوسل می‌شوند. با این امید که این دروغ‌های مصلحتی غائله را هر چه زودتر ختم کند و

آرامش باز گردد.

اما این دروغ‌های به ظاهر کوچک تا چه اندازه می‌توانند به کار گرفته شوند؟ یک پژوهش تازه نشان داده است که استفاده از این نوع دروغ‌های "بی‌مورد" رو به افزایش است. در این پژوهش که 200 خانواده آمریکایی، کانادایی و چینی را مورد بررسی قرار داده، این نتیجه به دست آمده که هر جا پای تربیت بچه مطرح بوده، والدین از این نوع دروغ‌های "شاخدار" بیشتر استفاده کرده‌اند.

پژوهشگران این گونه دروغ‌ها را بیشتر از آنکه "مثبت" بدانند، از آنجایی که در نهایت در خدمت یک هدف عملی هستند، "دروغ‌های ابزاری" توصیف می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند که یکی از این شایع‌ترین دروغ‌هایی که در این دسته جای می‌گیرند و هم والدین آمریکایی و هم والدین چینی به گفتن آنها متوسل می‌شوند، تظاهر به ترک محل و تنها گذاشتن کودک هستند: «اگر راه نیفتی، همینجا تنها می‌زارم و می‌رم.»

اما موقعیت دیگری نیز که والدین از دروغ گفتن به کودکانشان مضایقه نمی‌کنند، به وقت

خوردن غذاست: «با هر یک لقمه‌ای که قورت بدی، زودی بزرگتر می‌شی.» گاهی این

تهدیدها البته لحنی جدی‌تر به خود می‌گیرد: «هویج برای چشمانت خوب است، اگر

نخوری، کور می‌شی‌ها!»

### دروغ‌های محبوب والدین

در این تحقیق یک دروغ محبوب میان والدین چینی و آمریکایی نیز مشاهده شده است؛

وعده خرید اسباب بازی در یک وقت دیگر، آن‌هم در حالیکه والدین اصلاً قصد خرید

اسباب‌بازی را ندارند: «الان پول همراه نیست، دفعه بعد که آمدیم برایت می‌خرم.»

وقتی هم که پای "استعداد" بچه در میان باشد، مادر و پدرها از دروغ کمک می‌گیرند؛

تعریف و تمجید از کودک برای انجام کاری که چندان هم خوب از پس انجام آن برنیامده

است: «آفرین! چقدر قشنگ این شعر را خواندی!»

اما شماری دیگر از دروغ‌ها برای "محافظت" از فرزند در مقابل شوک‌های روحی و

روانی است. وقتی برای مثال حیوان خانگی کودک در تصادف با ماشین کشته شده، والدین

تمایل دارند تا با مخفی نگه داشتن حقیقت، تصویری دیگر در ذهن کودک ایجاد کنند:

«دیشب که خواب بودی، بابا ماهی قرمزت را توی آب استخر پارک انداخت، تا با

ماهی‌های دیگه بازی کنه و تنها نباشه.»

دانشمندان نتایج این پژوهش را که در ژورنال بین‌المللی روانشناسی به چاپ رسیده،

نگران‌کننده می‌دانند. به باور آنها توسل به دروغ از سوی والدین می‌تواند به مرور زمان و

هنگامی که کودک به فردی بزرگسال تبدیل می‌شود، روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار

دهد.

این دانشمندان به والدین توصیه می‌کنند، با تمام این توضیحات اگر قصد گفتن چنین

دروغ‌هایی را به کودکانشان دارند، این پرسش اخلاقی را از خود بپرسند که آیا دروغ

گفتنشان واقعا کاری موجه است؟

## گفتار دوم: نحوه رفتار با کودک دروغگو

نتایج جالب یک پژوهش نشان می دهد که گرفتن میچ کودکان در هنگام دروغ گفتن رفتاری اشتباه نیست و تنها باید از آن به عنوان لحظه ای برای آموختن استفاده کرد. به بیانی دیگر به جای فریاد کشیدن یا تنبیه کودک، باید با او درباره اهمیت راستگو بودن و تاثیرات منفی دروغگویی صحبت کرد.

پژوهشگران طی این مطالعه دریافته اند توانایی گفتن دروغ های کوچک در سن دو سالگی، نشانه ای از رشد سریع مغز بوده و به آن معنی است که این کودکان شانس بیشتری در داشتن زندگی موفق خواهند داشت. آنها دریافته اند هرچه دروغ متقاعد کننده تر باشد،

کودکان در زندگی آینده خود تیزهوش تر بوده و توانایی آنها در تفکر آنی و تصمیمگیری افزایش خواهد یافت. این نشانه همچنین به آن معنی است که عملکرد اجرایی آنها، توانایی سازماندهی به افکار و فعالیتها نیز رشد کرده است.

"کنگ لی" پژوهشگردانشگاه تورنتو می گوید: "پدر و مادرها نباید با مشاهده دروغ گفتن کودکانشان نگران شوند، تقریباً همه کودکان دروغ می گویند و آنها که از رشد شناختی بهتری برخوردار باشند بهتر دروغ می گویند زیرا قادرند رد پای دروغ خود را استتار کنند، چنین ویژگی می تواند در آینده از کودک یک بانکدار موفق بسازد".

دروغ گفتن نیازمند فرایندهای متعدد مغزی از قبیل ترکیب منابع اطلاعاتی و دستکاری اطلاعات در راستای اهداف مورد نظر است. این رفتار با رشد مناطقی از مغز که "عملکرد



اجرایی " را فعال کرده و از سطوح بالاتری از تفکر و استدلال بهره می برد در ارتباط است.

لی به همراه تیم تحقیقاتی اش بر روی هزار و 200 کودک و نوجوان دو تا 16 ساله مطالعه کردند، اکثر این کودکان دروغ می گفتند اما تنها کودکانی با توانایی های شناختی بهتر قادر به گفتن بهترین دروغ ها بودند.

در این مطالعه کودکان در اتاقی مجهز به دوربین های فیلم برداری قرار می گرفتند که در گوشه ای از آن عروسکی قرار داده شده بود. محققان از کودکان می خواستند که به عروسک نگاه نکنند و اتاق را ترک می کردند. با این حال از هر 10 کودک 9 نفر به عروسک نگاه می کردند و بسیاری از آنها به دروغ اعلام می کردند که عروسک را نگاه

نکرده اند.

20 درصد از کودکان دوساله دروغ می گویند که این میزان در سن سه سالگی به 50

درصد و در سن چهار سالگی به 90 درصد می رسد. پر دروغ ترین سن در میان کودکان

12 سالگی است، سنی که همه در آن دروغ می گویند. در عین حال تمایل به دروغگویی

از سن 16 سالگی کاهش پیدا کرده و به 70 درصد می رسد. با آغاز بزرگسالی افراد جوان

می آموزند تا دروغ های مصلحتی یا دروغ های سپید را که تقریباً همه انسان ها برای

جلوگیری از آسیب زدن به احساسات دیگران از آنها استفاده می کنند، جایگزین دروغ

های دیگر سازند.

محققان در عین حال اعلام کردند میان گفتن دروغ های کوچک در خردسالی و تمایل به

تقلب در امتحان یا تبدیل شدن به یک کلاهبردار در زندگی آینده هیچ ارتباطی وجود

ندارد. در عین حال سخت گیری های خانواده ها و قوانین اخلاقی جامعه بر روی کنترل

این فرایند در کودکی هیچ تاثیری نخواهند داشت.

بر اساس گزارش تلگراف، لی معتقد است گرفتن میچ کودکان در هنگام دروغ گفتن رفتاری

اشتباه نیست تنها باید از آن به عنوان لحظه ای برای آموختن استفاده کرد. به بیانی دیگر

به جای فریاد کشیدن یا تنبیه کودک باید با او درباره اهمیت راستگو بودن و تاثیرات منفی

دروغگویی صحبت کرد.

# پایان